

# ۱۳۳۲

هزار و سیصد و سی و دو

## یک قرن با ورزش ایران (۱۴۰۰-۱۳۰۰)

# ۱۳۳۲؛ قبل و بعد از کودتا



مهدی زارعی

در سال ۱۳۳۲ دو توریست آلمانی که به ایران آمده بودند، می‌گفتند: «انتظار داشتیم مردمی را در خیابان‌ها ببینیم که راهپیمایی می‌کنند و گشته می‌شوند.» سال ۱۳۳۲ با کلمه کودتا به یاد آورده می‌شود اما ورزش کشور همچون همیشه به مسیر خود می‌رفت و به جز چند استثنا، ورزشکاران همچون همیشه، توجه و شناختی از سیاست نداشتند و با وقایع رخ داده همسو بودند...

## ورزشکاران کودتاچی و تخریب دفتر نیرووراستی



شعبان جمهری

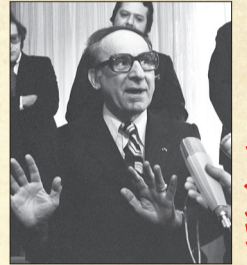
نیرووراستی در ورزش ایران تا آن اندازه بود که وقتی ایران برای اولین بار راهی بازی‌های المپیک در لندن شده بود، از ۳۵ ورزشکار کاروان ایران، ۱۷ نفر عضو نیرووراستی بودند و از تیم کشتی هشت نفره ایران، چهار کشتی‌گیر عضو این باشگاه حضور داشتند.

اما کودتاچیان تنها به تیمسار خسروانی محدود نمی‌شدند. هدایت‌الله گیلان‌شاه فرمانده نیروی هوایی که پیش‌تر بازیکن تیم طوفان و از آذرماه ۱۳۲۹ تا آذر ۱۳۳۱ رئیس فدراسیون فوتبال بود، در دوران مصدق بازنشسته شده بود و علیه مصدق فعالیت داشت. از جمله کارهای او، کمک به سرلشکر فضل‌الله زاهدی بود که در آن روزها تحت تعقیب دولت بود.

در کنار او هم‌تیمی سابقش در تیم طوفان، عباس فرزندانگ بازیکن دهه بیست فوتبال، از تیرماه به ایران بازگشت و عامل اصلی سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) برای اجرای کودتا شد. فرزندانگ کسی بود که ملاقات سرهنگ نادر باتمانقلیچ، سرهنگ حسن اخوی، سرهنگ ولی محمد زندکریسی را با سرهنگ جورج کارول (سرهست نظامی سیا در عملیات کودتا) ترتیب داد و در روز بیست مرداد در ملاقاتی با سرلشکر زاهدی، رابط بین کودتاگران و آمریکایی‌ها شد. او بعد از پیروزی کودتا مأمور دستگیری مخالفان شد. شعبان جعفری کشتی‌گیر باستانی نیز دیگر مهره تاثیرگذار در کودتا بود. هرچند که خودش می‌گفت



عباس فرزندانگ



عباس فرزندانگ

در سال کودتای ۲۸ مرداد، حتی ورزش نیز آمیخته به سیاست شد و بعدها تأثیر وقایع این سال، بیشتر در ورزش ایران به چشم آمد. بعدها بدون آنکه سندی در دست باشد، اعلام شد که باشگاه تاج پس از کودتای نافرجام اولیه - در روز ۲۵ مرداد - از مالکیت تیمسار خسروانی خارج شد و با تغییر نام روبرو شده «مصدق» نام گرفت اما تنها سه روز بعد با کودتای ۲۸ مرداد، نام باشگاه مجدداً تغییر کرد تا باشگاه طی یک هفته با دو تغییر نام روبرو شود!

پس از کودتا اعلام شد که دفتر باشگاه تاج، سازماندهی کودتا در مرکز شهر را عهده‌دار شده، هاپگاه مردمی علیه مصدق، نام گرفت.

## مصدق، خسروانی و منارجنبان!

باشگاه تاج، از افکار مصدقی پاکسازی شد و به کار خود ادامه داد. در همین ایام عنایت‌الله جانانپور پس از ده سال فعالیت در باشگاه به دلیل کسالت، از فعالیت‌های ورزشی کناره‌گیری کرد.



عنایت جانانپور معلمان ورزش مدرسه کوروش

آن روز درباره‌اش نوشته شد: «آقای سرگرد خسروانی که تیمسار سرلشکر باتمانقلیچ و چند تن از افسران دیگر زندانی را از زندان دژبان آزاد کردند.» مأموریت تسخیر خانه نخست وزیر وقت (دکتر محمد مصدق) با حق تیر نیز به وی داده شد. و این خسروانی بود که خانه مصدق را تسخیر کرد. پیش از این اتفاق، مصدق موفق شد از خانه بگریزد اما سرانجام دستگیر و محاکمه شد. در هنگام دستگیری خسروانی به او گفت: چرا می‌لرزی؟ و مصدق در پاسخ گفت: منارجنبان سال‌هاست که می‌لرزد اما همچنان پابرجاست. بعد از انقلاب، خسروانی از کسانی بود که از ایران رفت. وی پس از آن سال‌ها در تلاش بود که به ایران بازگردد و بزرگترین آرزوی این بود که در ایران دفن شود اما نقش مؤثری که در کودتای ۲۸ مرداد داشت، سبب شد که هرگز به این آرزوی خود دست پیدا نکند.

### اخراج تاجی‌ها!

در شهریورماه سرگرد خسروانی ریاست باشگاه تاج اعلام کرد که چون در این اواخر عده‌ای از افراد باشگاه برخلاف روح ورزشکاری و علیه باشگاه تاج فعالیت نمودند، حدود ۴۵ نفر از این افراد اخراج شدند. به این ترتیب

یکی از جالب‌ترین گفت‌وگوهای ورزشی - سیاسی تاریخ مطبوعات در سال ۱۳۵۷ توسط کیهان ورزشی چاپ شد. ۲۵ سال بعد از کودتا تا مشخص نشود ماجرا راست است یا دروغ؟

در زمستان ۱۳۵۷ مطبوعات مدتی اعتصاب کرده بودند و زمانی که اعتصاب به پایان رسید، شرایط سیاسی حاکم بر جامعه سبب شد که اکثر مطالب حال و هوای سیاسی پیدا کنند.

حتی نوشته‌های مجلات ورزشی نیز عمدتاً سیاسی بودند. یکی از این تیتراها به روز ۲۰ دی ۵۷ است که دیالوگ رد و بدل شده بین رئیس باشگاه تاج پرویز خسروانی را با دکتر محمد مصدق بیان می‌کند. خسروانی در زمان کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ سرگرد بود و پس از اتفاقات



تیمسار سرتیپ محمد دفتری

## ورزشی‌هایی که صاحب مشاغل سیاسی شدند

اداره تربیت‌بدنی و پیشاهنگی ایران بود. همچنین درباره رئیس اسبق فدراسیون کشتی ایران چنین نوشته شده بود:



تیمسار سرلشکر باتمانقلیچ



تیمسار سرتیپ محمد دفتری

پس از کودتا اطلاعات هفتگی درباره دو تن از ورزشی‌هایی که صاحب پست شدند نوشت: «چند نفر از کسانی که در کابینه مشاغل جدید،

تیمسار سرتیپ محمد دفتری، رئیس شهرستانی کل کشور، تحصیلات نظامی خود را در دانشکده معروف سن سیر فرانسه به پایان رسانده است. وی در سال ۱۳۲۶ به ریاست دژبانی انتخاب شد. پس از آن مدتی ریاست شهرستانی کل کشور را برعهده داشت و سپس به فرماندهی گارد گمرک منصوب گردید و اکنون بار دیگر رئیس شهرستانی کل کشور است. سرتیپ دفتری یک افسر با انضباط و تشکیلاتی به تمام معنی است. سازمان گارد مسلح گمرک هم نتیجه زحمات اوست.»

حساس نظامی و سیاسی را به عهده گرفته‌اند.» در ادامه این نوشته درباره سرلشکر باتمانقلیچ نوشته شده بود: «رئیس ستاد ارتش ایران تیمسار سرلشکر باتمانقلیچ، نمونه کامل یک افسر دلیر و فداکار ایرانی است. سرلشکر باتمانقلیچ همانقدر که در موقع انجام وظیفه سختگیر و دقیق و جدی است، نسبت به کسانی هم که با او به صمیمیت و علاقه‌مندی کار می‌کنند، مهربان و متواضع است. در رأس قسمت‌های مهم و حساس از قبیل کارخانه‌های مهمات‌سازی و اداره موتور ارتش کار کرده است. سرلشکر باتمانقلیچ مدتی نیز رئیس

## تشکیلات نوین پیشاهنگی

در آذرماه ۱۳۳۲، تشکیلات نوین پیشاهنگی از صفر، با دست خالی و کمترین امکانات، از یک اتاق کوچک، در سردر ورودی ورزشگاه امجدیه کار خود را توسط دکتر بنائی شروع کرد. بنائی که برای ادامه تحصیلات خود مدتی را در فرانسه، انگلستان و آمریکا سپری کرده بود، پس از پایان تحصیلات، بلافاصله به ایران مراجعت کرد و تشکیلات نوین را بنا نهاد. پیشاهنگی پیش از آن در ایران، توفیق چندانی به دست نیاورده بود زیرا آموزش خود را بیشتر بر تعلیمات صف‌جمع و رژه و اجبار گذاشته بود و با پیشاهنگی واقعی که هدفش تربیت نوجوانان و جوانان با عضویت آزاد و داوطلبانه افراد است، فاصله بسیاری گرفته بود. بنائی پس از شرکت در موسان فرانسه در گزارش مکتوب خود نوشت: «پس از اینکه من در این اجتماع بزرگ شرکت کردم، فهمیدم که ما حقیقتاً پیشاهنگی نداشتیم و چه خوب شد که از بین رفت... شما را به خدا، بیایید علیرغم کسانی که سعی می‌کنند قدم‌های مؤثری را که چند نفر خدمتگزاران صحیح‌العمل برمی‌دارند خنثی کنند، اقدامات اساسی برای توسعه امور ورزشی و مخصوصاً پیشاهنگی ایران بکنید.»

بنائی دوران تحصیل ابتدایی خود را در مشهد، در دبستان ملی (که بعدها به دبستان فرهنگ تغییر نام یافت) و متوسطه را تا سال پنجم، در دبیرستان دانش (بعدها دبیرستان فردوسی) سپری کرد و بلافاصله به مدت دو سال در دبستان و دبیرستان شاه‌رضای مشهد، به عنوان معلم تاریخ و جغرافیا، رسم و نقاشی و تاریخ طبیعی، مشغول کار می‌شد. دوستی با منوچهر مهران، از آنها یک زوج ورزشی مناسب می‌سازد. با او و نفراتی دیگر از دوستان، به کوهنوردی و بیابانگردی و مطالعه در طبیعت می‌پردازند، به شکار می‌روند، دست به تمرین و آزمایش خویش در رشته‌های ورزشی مختلف می‌زنند. چندی نیز این دو در مشهد، باشگاهی به نام «سیرک وطن» تأسیس و اداره می‌کنند. بنائی در تعطیلات تابستان، مدتی به شاگردی نزد استاد نقاشی که نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و پرده‌های تعزیه می‌کشید، می‌پردازد. مدتی نیز گچ‌بری را می‌آموزد و سرانجام با شغل آموزگاری به خدمت وزارت فرهنگ و اوقاف و صنایع مستظرفه درمی‌آید. بنائی با تلاش خستگی‌ناپذیر و تیزبینی و درایت فوق‌العاده خود، سنگ بنای محکمی را گذاشت.